

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز
نوبن • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترت

شنبه ۳ مرداد ۱۴۰۵ • ۱۰ صفر ۱۴۴۸ • ۲۵ جولای ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۴۳۵ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۱ • اذان مغرب ۱۹:۳۵ • اذان صبح فردا ۳:۲۸ • طلوع آفتاب ۵:۰۸

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

قدرت حل مسئله



سعید نیا

مستند ساز

قدرت حل مسئله، توانایی یک مدیر یا یک دولت نیست؛ یک ظرفیت نهادی و اجتماعی است. جامعه و سازمانی که می‌تواند مسئله را درست تعریف کند، میان علت و معلول تمایز بگذارد، راه‌حل‌های مختلف را بیازماید، از شکست خود داده تولید کند و سیاست‌هایش را اصلاح کند، در برابر شوک‌ها تاب‌آورتر است. در چنین جامعه‌ای، شکست یک سیاست الزاما شکست یک نظام نیست؛ خطا می‌تواند به اطلاعات تبدیل شود و اطلاعات به اصلاح سیاست.

اما در جامعه‌ای که خطا هزینه‌ای حیثیتی و سیاسی دارد، شکست پنهان می‌شود، مسئله انکار می‌شود و داده جای خود را به روایت می‌دهد. در این وضعیت، جامعه فقط با بحران مواجه نیست؛ با ناتوانی در یادگیری از بحران مواجه است.

از همین‌جاست که اقتصاد سیاسی و جامعه‌شناسی وارد بحث می‌شوند. مسئله توسعه فقط فقدان منابع یا دانش نیست؛ مسئله، ظرفیت تبدیل دانش به تصمیم و تصمیم به عمل است. ممکن است کشوری از دانشگاه، نیروی انسانی متخصص و منابع طبیعی فراوان برخوردار باشد ولی نهادهایی نداشته باشد که بتوانند این دانش و منابع را به سیاست عمومی مؤثر تبدیل کنند. در اقتصاد سیاسی این مسئله با مفهوم «ظرفیت دولت» توضیح داده می‌شود، در جامعه‌شناسی با «سرمایه اجتماعی» و «اعتماد» و در مطالعات محیط زیست با «تاب‌آوری»، «ظرفیت برد» و «آستانه‌های بحرانی». این مفاهیم، با وجود تفاوت‌هایشان، در یک نقطه به هم می‌رسند: هیچ نظام اجتماعی‌ای نمی‌تواند برای همیشه بیش از ظرفیت نهادی و اکولوژیک خود فشار تحمل کند.

در جامعه‌ای که همه تصمیم‌ها در یک مرکز متمرکز شده، همه

جهان توسعه‌یافته، جهان بی‌مسئله نیست و جهان سوم نیز جهان حل ساده مسئله نیست. شاید تفاوت این دو را باید نه در فقدان یا وفور مسئله، بلکه در فاصله‌ای جست‌وجو کرد که میان «مسئله» و «بحران» وجود دارد؛ فاصله‌ای که در یک جامعه با نهاد، دانش و اعتماد پر می‌شود و در جامعه‌ای دیگر، با تأخیر، انکار و انباشت بحران.

هرچه جامعه‌ای پیچیده‌تر، ثروتمندتر و برخوردارتر می‌شود، مسائلش نیز پیچیده‌تر، چندلایه‌تر و درهم‌تیده‌تر می‌شوند؛ تا آنجا که در جوامع توسعه‌یافته، دیگر به‌سختی می‌توان میان بحران اقلیمی، بحران انرژی، مهاجرت، نابرابری، سالمندی جمعیت و فراسایش اعتماد اجتماعی مرزی روشن کشید. اما توسعه‌یافتگی به معنای بی‌مسئله‌بودن نیست. شاید درست برعکس، نشانه توسعه آن باشد که جامعه بتواند با مسائل هر چه پیچیده‌تر روبه‌رو شود، بی‌آنکه هر مسئله به بحرانی برای تمامیت آن بدل شود. در زبان محیط زیست برای توضیح توان یک اکوسیستم در مواجهه با چنین شوک‌هایی، واژه‌ای وجود دارد: «تاب‌آوری».

یک اکوسیستم تاب‌آور، اکوسیستمی نیست که هرگز خشک سالی، آتش سوزی یا تغییرات اقلیمی را تجربه نکند؛ اکوسیستمی است که می‌تواند شوک را جذب کند، خود را با شرایط تازه سازگار کند و پیش از عبور از یک آستانه بحرانی، دوباره سازمان یابد. اما هر اکوسیستمی نیز ظرفیت محدودی دارد. اگر فشار از ظرفیت برد آن فراتر رود، ممکن است تعادل پیشین برای همیشه از دست برود.

جامعه نیز چنین است

یک جامعه می‌تواند تورم، بیکاری، فساد، بحران آب، مهاجرت یا بی‌اعتمادی را تحمل کند. اما ظرفیت تحمل هیچ جامعه‌ای نامحدود نیست. مسئله زمانی به بحران تبدیل می‌شود که بحران‌ها به یکدیگر متصل شوند و از یکدیگر نیرو بگیرند. بحران آب، مهاجرت ایجاد می‌کند. مهاجرت حاشیه‌نشینی را گسترش می‌دهد. حاشیه‌نشینی، سرمایه اجتماعی را فرسوده می‌کند و فرسایش اعتماد، توان همکاری جمعی را کاهش می‌دهد. در اینجا دیگر با یک «مسئله منفرد» روبه‌رو نیستیم؛ با شبکه‌ای از بازخورد‌های تقویت‌کننده مواجه هستیم که در آن هر مسئله می‌تواند مسئله دیگری را تولید و تشدید کند.

اینجاست که مفهوم «قدرت حل مسئله» رخ می‌نماید.

یادداشت

آنچه استعمار را واقعی می‌کند، ریاضی است!



علی مرسلی

اگر امروز کسی از واژه‌هایی مانند «امپریالیسم» یا «استعمار» استفاده کند، معمولا خیلی زود به «چپ‌گرایی» متهم می‌شود. این اتهام چندان هم بی‌دلیل نیست؛ چراکه این مفاهیم در ادبیات سیاسی معاصر بیش از هر جریان دیگری با چپ گره خورده‌اند. اما واقعیت این است که نه تاریخ تابع ایدئولوژی است و نه ریاضی.

اجازه دهید پرسشی مطرح کنم: به نظر شما چند کشور در جهان هستند که هیچ‌گاه هدف تهاجم نظامی بریتانیا قرار نگرفته‌اند؟ یا بهتر است پرسش را وارونه ببریم: از میان همه کشورهای جهان، بریتانیا به کدامیک هرگز حمله نکرده است؟ پاسخ این پرسش شگفت‌آور است. براساس پژوهش استوارت لیلکات در کتاب «همه کشورهای که تا به حال به آنها تهاجم کرده‌ایم»، از میان ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل، فقط ۲۲ کشور هیچ‌گاه تجربه تهاجم یا حضور نظامی بریتانیا را نداشته‌اند. لیلکات تعریفی گسترده از «تهاجم» به کار می‌برد؛ از حمله مستقیم و اشغال نظامی گرفته تا حضور موقت نیرو یا یورش کشتی‌های جنگی تحت فرمان تاج‌ونخت بریتانیا. با این تعریف، بریتانیا در طول تاریخ خود به نزدیک به ۹۰ درصد کشورهای جهان به‌نوعی دست نظامی دراز کرده است. از میان این ۲۲ کشور، فقط چهار مورد آسیایی هستند و هر چهار کشور نیز در آسیای مرکزی جای دارند: قرقیزستان، مغولستان، تاجیکستان و ازبکستان. ایران، برخلاف این چهار کشور، هم هدف تهاجم بریتانیا بوده و هم دوره‌هایی از اشغال نظامی مستقیم را تجربه کرده است. نکته کویاتر این است که تقریبا همه این ۲۲ کشور، در برهه‌ای از تاریخ خود، مستعمره یا هدف تهاجم یکی دیگر از قدرت‌های غربی بوده‌اند: فرانسه در چاد، مالی، ساحل عاج، کنگو و جمهوری آفریقای مرکزی؛ اسپانیا در بولیوی، گواتمالا و پاراگوئه؛ پرتغال در سائوتومه و پرنسپ، آلمان و سپس بلژیک در بوروندی و روسیه و پس از آن اتحاد شوروی در قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و مغولستان (این یکی به شکل دولت اقماری). در عمل فقط سه استثنا باقی می‌ماند: سوئد که با وجود شکستش از روسیه، از استعمار مستقیم قدرت‌های غربی مصون ماند و آندورا و لیختن‌اشتاین که به دلیل کوچکی و بی‌اهمیتی راهبردی‌شان از رقابت‌های استعماری قرن‌های اخیر بیرون ماندند. این ریاضی ساده چیزی را نشان می‌دهد که هیچ ایدئولوژی‌ای نمی‌تواند نادیده‌اش بگیرد: استعمار و امپریالیسم پدیده‌ای حاشیه‌ای یا برساخته یک جریان فکری خاص نبوده‌اند، بلکه قاعده غالب مناسبات میان قدرت‌های اروپایی و بقیه جهان در چند قرن اخیر بوده‌اند؛ قاعده‌ای که تقریبا هیچ کشوری، فارغ از قاره، دین یا نظام سیاسی‌اش، از آن در امان نمانده است. ممکن است استعمار و امپریالیسم در جهان امروز دیگر به شکل کلاسیک گذشته وجود نداشته باشند یا دست‌کم ظاهرشان تغییر کرده باشد، اما از نظر تاریخی، واقعیتی انکار‌ناپذیر هستند. بسیاری از نابرابری‌ها، مرزهای سیاسی، بحران‌ها و مناسبات قدرت در جهان امروز، بدون درک این گذشته قابل فهم نیستند. می‌توانیم با خوش‌بینی این واقعیت را نادیده بگیریم، اما آثار آن ما را نادیده نخواهد گرفت.

خبرخوانی

آب در زاهدان ۵۵۰ هزار تومان لیتری

نماینده زاهدان در مجلس، به هشدار نسبت به تشدید بحران آب در این شهر، از کمبود هزار لیتر در ثانیه آب، توقف دو پروژه مهم آب‌رسانی به دلیل کمبود اعتبار و دسترسی برخی مناطق به آب فقط یک یا دو روز در هفته خبر داد. او به اینا گفت: «امروز زاهدان با کمبود هزار لیتر در ثانیه آب مواجه است. این در حالی است که مردم در گرمای شدید تابستان با قطعی‌های مکرر آب روبه‌رو هستند و ادامه این وضعیت، مشکلات معیشتی و بهداشتی آنان را روزبه‌روز تشدید کرده است». او از مسئولان خواست: «تأمین آب آشامیدنی مردم را نیز در اولویت قرار دهد؛ زیرا امروز مهم‌ترین نیاز مردم زاهدان آب است». او تأکید کرد: «مردم برای خرید یک نانکر کوچک آب باید حدود یک میلیون تومان پرداخت کنند و برای هر مترمکعب آب بین ۵۰۰ تا ۵۵۰ هزار تومان می‌پردازند تا آن را در مخازن خانگی ذخیره کنند. این هزینه برای بسیاری از خانواده‌ها قابل تأمین نیست».

اقتصادخوانی

برای خرید یک کیلو گوشت باید چند ساعت کار کرد؟

یکی از مطالبی که در شبکه‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته، گزارشی بود که اقتصادنیوز درباره میزان ساعت کار لازم برای خرید یک تخم مرغ، منتشر کرده است. این گزارش دو جدول دارد؛ یک جدول ساعت تقریبی کارکردن برای خرید اقلام را در بر می‌گیرد و در عین حال میزان افزایش قیمت امسال نسبت به پارسال نیز در آن محاسبه شده است. یک جدول دیگر حکایت این است که با حقوق پایه وزارت کار در ماه می‌شود چند سبد انتخابی آذوقه خریداری کرد. در واقع مقایسه قیمت خوراکی‌ها با دستمزد یک ساعت کار کارگران، تصویر ملموس‌تری از فشار واردشده بر سفره خانوار ارائه می‌دهد.

براساس بخش‌نامه مزد سال ۱۴۰۵، حداقل دستمزد روزانه کارگران ۵۵۴ هزارو ۱۸۵ تومان تعیین شده است؛ بنابراین حداقل مزد پایه ماهانه، بدون حق مسکن، بن کارگری، سنوات و حق اولاد، حدود ۱۶ میلیون و ۶۲۵ هزار تومان است. حالا نان که روزگاری آخرین پناه سفره کارگری بود، در تهران می‌تواند ماهانه بیش از دو میلیون تومان از مزد یک خانوار را ببلعد. در این گزارش چند مورد از خوراکی‌ها بررسی شده‌اند تا دریابیم هر خوراکی چند ساعت کار می‌خواهد. مقایسه براساس قیمت‌های رسمی اعلام‌شده در خرداد ۱۴۰۵ است؛ متوسط قیمت هر کیلو برنج خارجی درجه‌یک به ۲۸۴ هزار تومان، گوشت گاو یا گوساله به یک میلیون و ۶۰۹ هزار تومان، مرغ و تخم‌مرغ به کیلویی ۲۲۴ هزار تومان و روغن جامد به کیلویی ۴۸۲ هزار تومان رسیده است. در گروه لبنیات نیز شیر لیتری ۱۱۸ هزار تومان، پنیر ۵۰۰ گرمی حدود ۲۱۶ هزار تومان و ماست کیلویی ۱۵۶ هزار تومان قیمت داشته است. ازاین‌رو می‌توان دریافت یک شانه تخم مرغ اندازه یک روز کار زمان می‌برد، برای خرید ۱۰ کیلو برنج خارجی حداقل پنج روز کار لازم است، اما برای خرید یک کیلو مرغ نصف روز کار. برای خرید پنیر و ماست حدود دو ساعت کار و برای خرید یک کیلو گوشت گوساله یا یک لیتر روغن حداقل باید یک روز کار کرد.

اگر یک سبد مقایسه‌ای شامل ۱۰ کیلو برنج خارجی، یک کیلو گوشت، یک کیلو مرغ، یک شانه تخم‌مرغ، یک کیلو روغن جامد، یک لیتر شیر، یک بسته پنیر ۵۰۰ گرمی، یک کیلو ماست و ۱۰۰ گرم کره را کنار هم بگذاریم، قیمت آن از حدود دو میلیون و ۲۲۷ هزار تومان در سال گذشته به حدود شش میلیون و ۲۸۶ هزار تومان در خرداد امسال رسیده است. یعنی هزینه همین سبد محدود حدود ۱۸۲ درصد افزایش یافته، در حالی که حداقل مزد کارگران در سال ۱۴۰۵ نسبت به سال گذشته ۶۰ درصد بالا رفته است. یک کارگر حداقل‌بگیر در سال گذشته برای خرید این سبد باید بیش از شش روز (حدود ۶.۴ روز) کار می‌کرد؛ امسال همان سبد به ۱۱.۳ روز کار نیاز دارد. به بیان دیگر، حداقل حقوق ماهانه پارسال توان خرید حدود ۴.۷ عدد از این سبد را داشت، اما این قدرت خرید در سال جاری به حدود ۲.۶ سبد کاهش یافته است. البته این سبد تمام خوراک ماهانه خانوار نیست و هزینه نان، میوه، حبوبات، قند، چای، سبزیجات و سایر اقلام را دربرنمی‌گیرد. محاسبات فقط نشان می‌دهد حتی خرید چند قلم محدود و ضروری، اکنون بخش بزرگ‌تری از زمان کار و حقوق خانوار را مصرف می‌کند. این در حالی است که کارگران مشکلات دیگری را نیز باید تجربه کنند مثلا نداشتن بیمه یا از دست‌دادن بیمه. اگر یکی از کارگران واحدهای تولیدی با مشکل درمانی مواجه شود، به محض آنکه کارفرما حتی یک روز در ارانه فهرست بیمه تأخیر داشته باشد، خدمات درمانی و بیمه‌ای او همان لحظه قطع می‌شود؛ در حالی که امنیت درمانی و بهداشتی نیروی کار باید در هر شرایطی حفظ شود اما متأسفانه این اتفاق رقم نخورده است.



تردد در تمامی محوره‌های مختلف استان هرمزگان، با وجود حملات دشمن آمریکایی به زیرساخت‌های جاده‌ای استان، از جمله پل‌ها و تونل‌ها، بدون هیچ‌گونه مشکل یا گره ترافیکی در جریان است. این روند با تلاش شبانه‌روزی نیروهای راه‌داری در بازسازی مسیرهای آسیب‌دیده و ایجاد محوره‌های جایگزین، به‌صورت مستمر ادامه دارد. عکس: محمد رسول مرادی، ایرنا

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

قدرت حل مسئله

سیاست‌ها به اراده چند نفر وابسته است و همه خطاها باید پنهان بمانند؛ شیبه اکوسیستمی است که تنوع زیستی خود را از دست داده است. ممکن است در شرایط عادی منسجم و قدرتمند به نظر برسد، اما در برابر یک شوک بزرگ، شکننده‌تر است؛ زیرا مسیرهای جایگزین برای اصلاح و سازگاری را از دست داده است.

در مقابل، قدرت حل مسئله در جوامع تاب‌آور از تکرر می‌آید؛ دانشگاه پویا، رسانه مستقل، بوروکراسی حرفه‌ای، جامعه مدنی، نهادهای محلی و امکان نقد. تنوع در اینجا به معنای آسفنگی نیست؛ به معنای وجود مسیرهای متعدد برای اصلاح است. همان‌گونه که تنوع زیستی، اکوسیستم را در برابر تغییر مقاومت می‌کند، تنوع نهادی نیز جامعه را در برابر شوک‌ها انعطاف‌پذیرتر می‌کند.

بنابراین توسعه شاید بیش از آنکه به معنای حذف بحران باشد، به معنای ساختن جامعه‌ای باشد که بحران، آن را از کار نمی‌اندازد. جامعه توسعه‌یافته جامعه‌ای نیست که هرگز از تعادل خارج نمی‌شود؛ جامعه‌ای است که پس از برهم‌خوردن تعادل می‌تواند بدون فروپاشی، تعادل تازه‌ای پیدا کند.

از این زاویه، پرسش اصلی درباره توسعه دیگر این نیست که یک کشور چقدر منابع دارد، بلکه این است که ظرفیت برد نهادی و اجتماعی آن چقدر است؟ چند بحران را می‌تواند هم‌زمان تحمل کند؟ چند خطا را می‌تواند اصلاح کند؟ و پیش از رسیدن به آن آستانه‌ای که بازگشت از آن دشوار می‌شود، چقدر توان یادگیری، سازگاری و بازتنظیم دارد؟

شاید فاصله میان جهان توسعه‌یافته و جهان سوم را باید دقیقا در همین نقطه جست‌وجو کرد: در توانایی یک جامعه برای آنکه پیش از فروپاشی، خود را بازتنظیم کند.

توسعه در نهایت شاید نه مسابقه بر سر داشتن منابع بیشتر، بلکه مسابقه بر سر ظرفیت حل مسئله باشد. ظرفیت اینکه یک جامعه بتواند پیش از آنکه بحران، نهادهایش را فرسوده کند، پیش از آنکه بی‌اعتمادی سرمایه اجتماعی‌اش را تهی کند و پیش از آنکه از آستانه بازگشت عبور کند، مسیر خود را تغییر دهد؛ زیرا جوامع را نه‌فقط آنچه دارند، بلکه نحوه مواجهه‌شان با آنچه ندارند و آنچه تهدیدشان می‌کند، توسعه‌یافته یا توسعه‌نیافته می‌کند.

حقوق خوانی

وقتی تورم، عدالت مهریه را می‌بلعد

قواعد حقوقی و واقعیت‌های اقتصادی ایجاد شده است. عدالت زمانی تحقق پیدا می‌کند که قانون بتواند خود را با تحولات جامعه هماهنگ کند. اگر تورم بتواند ارزش واقعی حقوق اشخاص را تغییر دهد، طبیعی است که نظام حقوقی نیز باید ابزارهای مؤثرتری برای حفظ این تعادل در اختیار داشته باشد.

این مسئله فقط به مهریه محدود نمی‌شود، بلکه به مجموعه حقوق مالی زن بعد از طلاق نیز تسری پیدا می‌کند. مهریه، نفقه، اجرت‌المثل ایام زوجیت و سایر حقوق مالی، زمانی می‌توانند نقش حمایتی خود را ایفا کنند که ارزش اقتصادی آنها در گذر زمان حفظ شود. در غیر این صورت، فمکن است حقی که قانون برای حمایت از یک طرف پیش‌بینی کرده، در عمل بخشی از کارآمدی خود را از دست بدهد.

در مقابل، نمی‌توان از مشکلات اقتصادی بسیاری از زوج‌ها نیز چشم‌پوشی کرد. افزایش ناگهانی قیمت سکه و کاهش قدرت خرید، در مواردی اجرای کامل و فوری تعهد را دشوار یا حتی ناممکن کرده است. بنابراین هرگونه اصلاح یا بازنگری باید به گونه‌ای باشد که ضمن حمایت از حقوق مالی زوج، اصل تناسب و امکان اجرای تعهدات نیز حفظ شود. عدالت، حمایت یک‌جانبه نیست، بلکه ایجاد توازن میان حقوق و تکالیف است.

شاید اکنون زمان آن رسیده باشد که درباره شیوه اجرای مهریه، سازوکارهای جریان کاهش ارزش دارایی‌ها و حتی روش‌های جایگزین تأمین امنیت اقتصادی خانواده، گفت‌وگویی ملی و کارشناسانه شکل بگیرد. سکوت در برابر آثار تورم، به اختلافات خانوادگی را کاهش می‌دهد و نه اعتماد عمومی به کارآمدی نظام حقوقی را افزایش خواهد داد.

پرونده‌های مهریه امروز، آینه‌ای از واقعیت اقتصاد ایران هستند. تا زمانی که تورم با سرعت از قانون پیشی می‌گیرد، دادگاه‌های خانواده نیز ناگزیر با پرونده‌هایی روبه‌رو خواهند بود که حل آنها فقط با استناد به مواد قانونی ممکن نیست. حقوق زمانی به عدالت نزدیک می‌شود که بتواند زبان اقتصاد و واقعیت‌های اجتماعی را نیز بفهمد.

۸۳.۷ میلیون بازدید

زهران ممدانی، شهردار نیویورک، اعلام کرد شهرداری تحت مدیریتش اختیار قانونی برای اجرای حکم بازداشت بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل را که از سوی دیوان کیفری بین‌المللی صادر شده ندارد، اما از مقام‌های دولت فدرال آمریکا خواست در صورت سفر او به ایالات متحده، این حکم را اجرا کنند. او در ویدئویی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد، گفت: «بنیامین نتانیاهو یک جنایتکار جنگی است؛ معمار نسل‌کشی هولناک علیه مردم فلسطین است». این ویدئو بازتاب گسترده‌ای پیدا کرد و ۸۳.۷ میلیون بازدید در توئیتر داشته است. البته این پست خیلی سریع با واکنش منفی ترامپ روبه‌رو شد و رئیس جمهور آمریکا گفت: نتانیاهو هرگز در آمریکا دستگیر نخواهد شد.

۲۰ سانت

براساس بررسی‌های انجام‌شده، روند کاهش تراز آب دریای خزر از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ شدت بیشتری گرفته و به حدود ۲۰ سانتی‌متر در سال رسیده است، در صورت تداوم این روند تا سال ۲۰۵۰، بیشترین آثار آن در بخش شمالی دریای خزر و سواحل کشورهای روسیه، قزاقستان و جمهوری آذربایجان مشاهده خواهد شد، اما در سواحل ایران نیز به‌ویژه در استان گلستان، محدوده تالاب گیششان و بندرتکمن، پسروری آب و آزادشدن اراضی با شدت بیشتری در حال وقوع است. در برخی مناطق، خط ساحلی از چندده متر تا صدها متر عقب‌نشینی کرده است. گزارش‌هایی درباره احتمال دست‌اندازی برخی شهرداری‌ها، دستگاه‌های اجرایی یا اشخاص حقیقی و حقوقی به اراضی تازه پدیدآمده دریافت شده بود.

۳ گونه

گونه‌های پرندگان شکاری عقاب طلایی، بهله و شاهین در کهگیلویه‌وبوییر احمد در معرض خطر انقراض هستند. این گونه‌های پرندگان شکاری مهاجر هستند و شرایط اقلیمی مانند خشک‌سالی‌های سال‌های اخیر و تغییرات آب و هوایی از جمله عوامل مهم کاهش شمار این گونه‌های ارزشمند است. براساس تحقیقاتی که دو سال پیش در زیستگاه‌های حیات‌وحش کهگیلویه‌وبوییراحمد انجام شده، ۲۷ گونه پرندگان مهاجر و بومی در استان و ۵۲ گونه پستاندار نیز در مناطق حفاظت‌شده و آزاد این استان زندگی می‌کنند. جغد ماهی‌خوار و شاه‌ماهی از گونه‌هایی هستند که برای نخستین بار در استان مشاهده شده‌اند. پایش زیستگاه‌های حیات‌وحش به‌منظور کشف تله‌های کار گذاشته‌شده برای زنده‌گیری انجام شده است.